

Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.3.16.0

## The Effect of MENARID International Project on the Development of Local Communities (Case Study: Hamoun Sistan Project)

Nazanin Naimabadi<sup>1\*</sup>, Hamid Jalalian<sup>2</sup> & Vahid Riahi<sup>3</sup>, Mahmoudreza Mirlotfi<sup>4</sup>

1. PhD in Geography & Rural Planning, Faculty of Geographical, Kharazmi University, Tehran, Iran

2. Associate Professor of Geography & Rural Planning, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor of Geography & Rural Planning, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

4. Associate Professor of Geography & Rural Planning, Faculty of Geographical Sciences, Zabol University, Zabol, Iran.

\* Corresponding author: Email: [Nazanin.naimabadi@gmail.com](mailto:Nazanin.naimabadi@gmail.com)

Receive Date: 16 September 2020

Accept Date: 18 December 2020

### ABSTRACT

**Introduction:** The Menarid project is one of the international projects that has been implemented in recent years with an ecological approach and with an emphasis on the participation and empowerment of the local community in developing countries including Iran. The main goal of this project is to empower local communities, improve the level of public understanding and knowledge, and create alternative livelihoods for local communities in order to reduce the destruction of natural resources.

**Research aim:** The purpose of this study is to evaluate the effect of this project on the development of local communities in Hamon district

**Methodology:** The current research is descriptive-analytical in terms of its purpose and in terms of data collection and analysis method. The statistical population of this research is the three villages of Kikha, Sancholi, Boland and Ali Akbar in Hamon city. The field data was made with the researcher's questionnaire tool and collected by survey method along with interviews. The number of samples to complete the questionnaire was 314 households that were randomly selected from among 1717 households.

**Studied Areas:** The geographical territory of this research is three villages of Kikha, Sancholi, Bland and Ali Akbar Township in Hamon city.

**Results:** In the social dimension, this project is only in the items (increasing self-confidence in the field of the abilities of people in the village, increasing the participation of family women in the development of the village, solidarity and collective communication between women in the village, the existence of social and economic networks for girls and women in the village, social security suitable for the movement of women and girls), in the environmental dimension in the subjects (promotion and implementation of training classes by the promoters of the region, training in various crops in agricultural land), in the dimension Infrastructure has had favorable effects on the items (access to various agricultural inputs, access to rural cooperatives). And in other economic and physical dimensions, it has not had a favorable effect in any of the subjects. Also, the results of the spatial analysis of the development of local communities according to the dimensions of development in Hamon district showed that Kikha village has the highest rank in dimensions (economic, social, physical, infrastructural, environmental) in terms of the impact of Menarid project.

**Conclusion:** Menarid international project has had the least impact in the economic dimension compared to the social, environmental and infrastructural dimensions. In fact, the implementation of the Manarid project has not had a great impact on raising the financial and economic power of local communities.

**KEYWORDS:** Menarid international project, development of local communities, rural development, Hamon



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی  
دوره ۱۷، شماره ۳ (پیاپی ۶۰)، پاییز ۱۴۰۱  
شاپای چاپی ۰۵۹۶۸-۲۵۳۵ شاپای الکترونیکی ۰۵۹۵۵-۲۵۳۸  
<http://ishsp.iaurasht.ac.ir>  
صص. ۷۷۲-۷۵۷

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.3.16.0

مقاله پژوهشی

## اثر پروژه بین‌المللی منارید بر توسعه جوامع محلی (مورد مطالعه: پروژه هامون سیستان)

نازنین نعیم آبادی<sup>۱</sup>، حمید جلالیان<sup>۲</sup>، وحید ریاحی<sup>۳</sup> و محمودرضا میرلطفی<sup>۴</sup>

۱. دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
۲. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
۳. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۴. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه زابل، زابل، ایران

\* نویسنده مسئول: Email: [Nazanin.naimabadi@gmail.com](mailto:Nazanin.naimabadi@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۲۶ شهریور ۱۳۹۹  
تاریخ پذیرش: ۲۸ آذر ۱۳۹۹

### چکیده

**مقدمه** پروژه منارید یکی از پروژه‌های بین‌المللی است که در سال‌های اخیر با رویکرد اکولوژیک و با تاکید بر مشارکت و توانمندسازی جامعه محلی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران اجرا شده است. هدف اصلی این پروژه، توانمندسازی جوامع محلی، ارتقای سطح درک و دانش عمومی، ایجاد معیشت جایگزین برای جوامع محلی در راستای کاهش تخریب منابع طبیعی است.

**هدف:** هدف مطالعه حاضر، ارزشیابی اثر این پروژه بر توسعه جوامع محلی ناحیه هامون است

**روش‌شناسی تحقیق:** پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از حیث روش گردآوری و تحلیل اطلاعات، توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش، سه روستای کیخا، سنچولی، بلند و شهرک علی‌اکبر در شهرستان هامون است. داده‌های میدانی با ابزار پرسشنامه محقق ساخته و به روش پیمایشی و همراه با مصاحبه گردآوری شد. تعداد نمونه‌ها برای تکمیل پرسشنامه، ۳۱۴ خانوار بود که به صورت تصادفی از میان ۱۷۱۷ خانوار انتخاب شدند.

**قلمرو جغرافیایی پژوهش:** قلمرو جغرافیایی این پژوهش، سه روستای کیخا، سنچولی، بلند و شهرک علی‌اکبر در شهرستان هامون می‌باشد.

**یافته‌ها:** این پروژه در بُعد اجتماعی تنها در گویه‌های (افزایش خودباوری در زمینه توانایی‌های افراد در روستا، افزایش مشارکت زنان خانواده در امور توسعه روستا، همبستگی و ارتباط جمعی بین زنان در روستا، وجود شبکه‌های اجتماعی و اقتصادی برای دختران و زنان در روستا، امنیت اجتماعی مناسب برای رفت و آمد زنان و دختران)، در بُعد محیطی در گویه‌های (ترویج و اجرای کلاس‌های آموزشی از طرف مروجین منطقه، آموزش کشت‌های متنوع در زمین زراعی)، در بُعد زیرساختی در گویه‌های (دسترسی به نهاده‌های مختلف کشاورزی، دسترسی به تعاونی روستایی) تاثیرات مطلوبی داشته‌است و در سایر ابعاد اقتصادی و کالبدی در هیچ یک از گویه‌ها اثر مطلوبی نداشته‌است. همچنین نتایج تحلیل فضایی توسعه جوامع محلی به تفکیک ابعاد توسعه در ناحیه هامون نشان داد، روستای کیخا بالاترین رتبه را در ابعاد (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیرساختی، محیطی) از نظر تاثیرپذیری از پروژه منارید به خود اختصاص داده‌است.

**نتایج:** پروژه بین‌المللی منارید در بُعد اقتصادی نسبت به ابعاد اجتماعی، محیطی و زیرساختی، کمترین تاثیر را داشته‌است. در واقع اجرای پروژه منارید در بالا بردن توان مالی و اقتصادی جوامع محلی تاثیر زیادی نداشته‌است.

**کلیدواژه‌ها:** پروژه بین‌المللی منارید، توسعه جوامع محلی، توسعه روستایی، هامون

## مقدمه

نگاهی به تاریخ زیست انسان بر روی کره زمین نشان می‌دهد که بشر همواره در معرض انواع بلاهای طبیعی بوده است. بخشی از بلاهای طبیعی که ناشی از تغییرات و نوسانات آب و هوایی مانند: سیل، خشکسالی، توفان، رعد و برق و غیره است، به عنوان بلاهای اقلیمی و اکولوژیکی قلمداد می‌شوند (خلیلی اقدم و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۴۶). خشکسالی از جمله اصلی‌ترین و قدیمی‌ترین بلاهای اقلیمی است که انسان‌ها از دیرباز با آن آشنا بوده‌اند (کابلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۴). این پدیده آب‌وهوایی با ایجاد اختلال در پارامترهای طبیعی، ارتباطات آسیب‌پذیر جوامع و اکوسیستم را هدف قرار داده و اثرات وسیعی را به دنبال دارد (مظاهری و صفری، ۱۳۸۸: ۶۷). این پدیده اقلیمی که برای انسان و دیگر جانداران بالای طبیعی محسوب می‌شود، از دیرباز در پهنه‌های وسیع واقع در اقلیم‌های گرم و خشک (از جمله ایران) بارها به وقوع پیوسته و خسارات زیادی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی فضایی به همراه داشته است و در سال‌های اخیر نیز این گونه خسارت و هزینه‌ها افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند (رضایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۳۰).

میانگین سالانه بارندگی در منطقه سیستان ۵۹/۶ میلی‌متر، میانگین درجه حرارت سالانه ۲۲ درجه سانتیگراد و میانگین سالانه رطوبت نسبی ۳۸ درصد می‌باشد و براساس طبقه‌بندی دومارتن با شاخص خشکی ۱/۹ جزء مناطق فراخشک طبقه‌بندی می‌شود. این منطقه همچنین تحت تاثیر خشکسالی هیدرولوژیکی قرار می‌گیرد و اطلاعات گذشته نشان می‌دهد بطور متوسط در هر ۱۵ سال یک‌بار، یک خشکسالی و هر سی سال یک بار یک خشکسالی بحرانی در این منطقه اتفاق افتاده است (کردوانی، ۱۳۸۰: ۱۰۱). بر اثر خشکسالی‌های اخیر در منطقه، تالاب هامون که حیات سیستان است با کاهش شدید آب روبرو شده و آب این دریاچه به تدریج خشک گردیده است و نتیجه این خشکسالی‌ها: بیکاری، فقر، تهدید سلامت جامعه و بهداشت عمومی و ... است. این وضعیت، معمولاً ناامنی را نیز به دنبال داشته و مشکلات نیز بر منطقه تحمیل کرده است. این تغییرات گسترده در وضعیت اکوسیستم باعث شده که برای انسجام و مدیریت یکپارچه منابع آب و خاک در شرایط کنونی سیستان طرحی را برای مدیریت یکپارچه منابع طبیعی اجرایی کنند.

یکی از پروژه‌های بین‌المللی که در سال‌های اخیر با تاکید بر همه جوانب توسعه روستایی (مشارکت و توانمندسازی) در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران کلید خورده، پروژه منارید<sup>۱</sup> است. این پروژه در چارچوب برنامه توسعه پایدار و یکپارچه کشورهای خارومیانه و شمال آفریقا در هفت کشور اردن، الجزایر، ایران، تونس، مراکش، مصر و یمن اجرا می‌شود. در ایران این پروژه با مشارکت تسهیلات جهانی محیط زیست برنامه توسعه ملل متحد و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور (به عنوان نماینده دولت) از شهریور سال ۱۳۹۰ آغاز شده است. پایلوت و هسته اولیه این پروژه در کشور ایران، در شش استان سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، یزد، سمنان، تهران و چهار محال بختیاری متمرکز شده است. از مهمترین اهداف این پروژه در شش استان، رفع خلاءها و موانع قانونی و ساختاری موجود در رابطه با مدیریت یکپارچه و سازگار با اقلیم منابع طبیعی است که از طریق مکانیسم‌های هماهنگ، اتخاذ سیاست‌های مناسب، ارائه فهرستی از تمرین‌های خوب و کارآمد (برای الگوبرداری و تعمیم آنها به مناطق مستعد دیگر)، ارزیابی‌های تخریب سرزمین و نیز تعلیم مدیریت یکپارچه منابع طبیعی عملی می‌شود.

پروژه بین‌المللی منارید در استان سیستان و بلوچستان، در شهرستان هامون در سه روستای ده بلند، کیخا، سنچولی و شهر علی اکبر اجرا شده است. هدف اصلی این پروژه در این منطقه ارتقای سطح درک و دانش عمومی، توانمندسازی جوامع محلی و آرایه رویکردهای مبتنی بر جوامع محلی است. پژوهش حاضر، به تبیین اثر این پروژه بر توسعه جوامع محلی در شهرستان هامون می‌پردازد و در پی پاسخ به این پرسش است که با توجه به اهداف متصور در پروژه بین‌المللی منارید و اتخاذ رویکردهای مبتنی بر مشارکت جوامع محلی، اجرای این پروژه تا چه حد توانسته است به عنوان عاملی اثرگذار، موجب تغییرات و تحولات توسعه جوامع محلی در ناحیه هامون شود.

یکی از اهداف پروژه بین‌المللی منارید، ایجاد افزایش مشارکت و توانمندسازی مردم محلی در ابعاد مختلف است، در واقع توانمندسازی، اصلی اساسی در توسعه مشارکتی بوده و بدون توجه به این مقوله نمی‌توان به شاخص‌های رشد و توسعه از مسیر توانمندسازی جوامع محلی در ابعاد مختلف دست یافت (امامی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۴).

1. MENARID: "تقویت و انسجام سازمانی با هدف مدیریت یکپارچه منابع طبیعی"

مطالعات گسترده‌ای در راستای مشارکت و توانمندسازی در توسعه جوامع محلی و طرح‌های توسعه در سطح ملی و بین‌المللی صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

مشارکت مردم می‌تواند نقش کلیدی در توسعه مناطق روستایی داشته باشد و متناسب با اندازه جمعیت روستاها، میزان مشارکت روستاییان نیز بیشتر می‌شود (اسدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۱-۸۲). در مطالعه دیگر، سلبی مدزیوهاندیا (۲۰۱۴)، مفهوم مشارکت جامعه را به عنوان پیش شرط برای حکومتداری موفق و ارائه خدمات در حوزه‌های محلی مطرح می‌کند و همچنین چالش‌ها و موانع مشارکت اجتماعی را در جریان برنامه‌ریزی و اجرای برنامه یکپارچه توسعه را به عنوان ابزاری برای تحول خدمات در حوزه‌های محلی موثر می‌داند. در ادامه نیز مطالعاتی از جمله: گوو (۱۹۸۳) نشان داد، توانمندی با رویکرد مشارکت باید همراه با ظرفیت‌سازی قابلیت‌های محلی عملی شود، در واقع زمانی که آگاهی از اهمیت مشارکت در میان ساکنین محلی بیشتر می‌شود، مشارکت آنها نیز افزایش می‌یابد. احمد و نورانی (۲۰۱۵)، در مطالعاتشان در کشور پاکستان اذعان کرده‌اند که استراتژی‌های توسعه مشارکتی جامعه محلی، می‌تواند در توانمندی جوامع روستایی نقش مهمی داشته باشد. در این زمینه، نتایج پارک و کیم (۲۰۱۴)، در تحقیقی به بررسی تاثیر مشارکت جوامع محلی در توانمندی آنها در استرالیا جنوبی، به این نتایج دست یافتند که افزایش مشارکت در جامعه محلی می‌تواند در توانمندی آنها موثر باشد. همچنین سوپینجانتو و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که افزایش درآمد مردم، بهبود زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی به وسیله جامعه محلی و همچنین افزایش آگاهی از اهمیت منابع جنگلی، از مهمترین نشانه‌های توانمند شدن جوامع محلی است. جوما (۲۰۰۵)، به این نکته تاکید می‌کند که روش برنامه‌ریزی از مرکز به پایین اثرات اندکی در توسعه روستایی داشته است. بنابراین، در برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های توسعه در سطح منطقه نیاز به مشارکت جوامع محلی است و برای مشارکت موثر جوامع در برنامه‌ریزی DFRD سیاستگذاران و برنامه‌ریزان نیاز به اصلاحات قانونی و اساسی برای شناسایی و ظرفیت‌سازی برنامه‌ها دارند. در مطالعه‌ای دیگر توسط عارف (۲۰۰۹)، فرایند مشارکت (از پایین به بالا) در سطح کلان باعث توانمندسازی روستاییان و کاهش هزینه‌های دولت می‌شود. دورگا (۲۰۱۳)، به این نکته اشاره می‌کند، با توجه به اینکه هدف از مشارکت به دست آوردن شتاب در فرایند توانمند سازی انسان و همچنین شرط ضروری برای توسعه است، دانشمندان معاصر نیز باید به دفاع از مشارکت مردم در پروژه‌های توسعه بپردازند، هر چند که شیوه‌های مشارکتی هنوز در مرحله نوپایی است و نیاز به نهادینه شدن دارد (Pascuccit, 2013: 605-631).

همچنین، در رابطه با تاثیر پروژه بین‌المللی منارید در توسعه روستایی در ابعاد مختلف، تحقیقات متعددی صورت گرفته است که به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌شود: در پروژه منارید در شهرستان یزد، زنان مشارکت خوبی در پروژه داشته و استفاده از صندوق اعتبارات نقش مهمی در توانمندسازی آنان داشته است. همچنین شرکت در کلاس‌های آموزشی و آشنا بودن با اهداف و مزیت‌های طرح در جلب مشارکت زنان نقش مهمی داشته است، در مجموع نتایج، پروژه منارید موجب افزایش توانمندی زنان در روستای کمکویه در شهرستان بهاباد داشته است (فولادیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۵). بررسی‌های متعدد نشان می‌دهد پروژه منارید در توسعه اقتصادی-اجتماعی در روستاهای سایت سیستان در شاخص‌های (معیشت و درآمد) تحت متغیر اقتصادی در سطح کم و شاخص-های (اشتغال و سرمایه‌گذاری) در سطح متوسط، شاخص (بهداشت و امکانات رفاهی) تحت متغیر اجتماعی در سطح زیاد، (سواد و آموزش، مهاجرت و مشارکت) در سطح متوسط تاثیر مثبت و معنی داری داشته است (افشاری، ۱۳۹۳: ۲۱). همچنین بر اساس مطالعه صورت گرفته توسط آجورلو و همکاران (۱۳۹۳)، از دید مردم روستاهای کیخا و ده بلند، مدیریت پروژه منارید در سه حوزه بررسی شده تقریباً موفقیت‌آمیز ارزیابی شد و در روستاهای سنجولی و پودینه موفقیت پروژه ضعیف ارزیابی شد. در همین راستا، هرچه تفکرات مسئولان با اندیشه‌ها و باورهای افراد جامعه‌ی بهره‌برداران از نزدیکی و همخوانی بیشتری برخوردار باشد، میزان موفقیت برنامه‌ها بالاتر خواهد رفت و اجرای کار از ضریب اطمینان بیشتری برخوردار خواهد بود. بنابراین تبیین سیاست می‌بایست بر اساس شناخت نیازها، باورها و مشکلات بهره‌برداران پایه‌گذاری شود تا در اجرا با کمترین چالش روبرو باشد (صادقی نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۲). اسکندری نسب و همکاران (۱۳۹۵)، نیز در پژوهش خود با استفاده از روش تحلیل محتوا به بررسی نقاط قوت، ضعف فرصت‌ها و تهدیدهای اجرای پروژه منارید در استان یزد پرداخته‌اند و به این نتایج دست یافتند که منطقه دارای نقاط ضعف و قوت متعدد بوده اما می‌توان از نقاط قوت منطقه در جهت اصلاح وضع معیشتی خانوارهای روستایی و توسعه پایدار این مناطق بهره جست و سپس با ارائه راهکارهای همسو با پروژه منارید به برطرف کردن موانع و آسیب‌ها پرداخت. جدول (۱)، برخی از پیشینه پژوهش مرتبط با بحث را به صورت خلاصه نشان می‌دهد.

## جدول ۱. پیشینه پژوهش

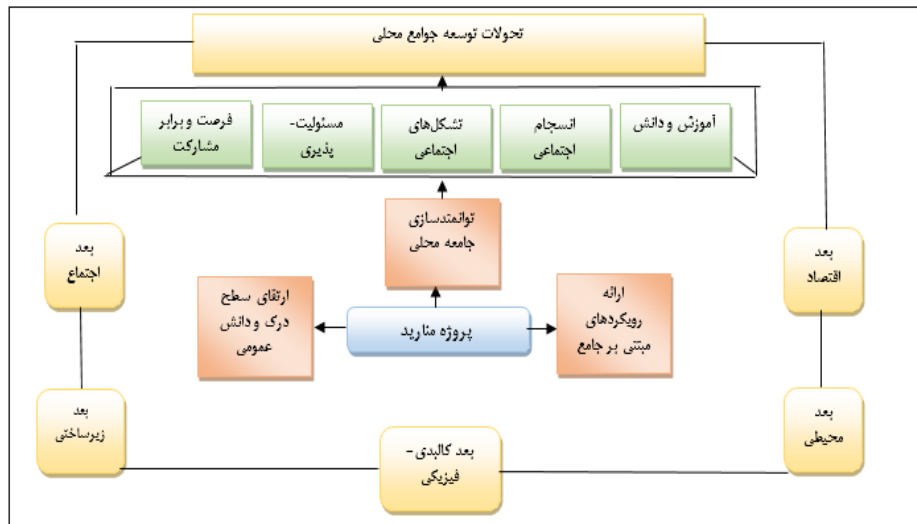
ردیف	نام محقق / سال پژوهش	عنوان تحقیق
۱	شیخ حسنی و مهماندوست (۱۳۸۹)	نقش مشارکت اجتماعی و اقتصادی روستاییان در طرح‌های عمران روستایی مطالعه‌ی موردی: دهستان نشاء
۲	آجورلو و همکاران (۱۳۹۳)	جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پروژه منارید در سیستان با هدف ارزیابی میزان موفقیت پروژه منارید
۳	صادقی‌نیا و همکاران (۱۳۹۳)	بررسی علل موفقیت و عدم موفقیت طرح‌های مرتعداری (مطالعه موردی: استان سمنان)
۴	افشاری و همکاران (۱۳۹۳)	اثرات توسعه پایدار اقتصادی-اجتماعی پروژه بین‌المللی منارید در سایت سیستان
۵	اسدی و همکاران (۱۳۹۴)	نقش مشارکت در توسعه روستایی بخش خشکیبجار شهرستان رشت
۶	فولادیان و همکاران (۱۳۹۵)	اثر پروژه منارید در توانمندسازی و جلب مشارکت زنان روستایی (مطالعه موردی: روستای کمکویه، شهرستان بهاباد، استان یزد)
۷	اسکندری نسب و همکاران (۱۳۹۵)	بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای اجرای طرح منارید در استان یزد
۸	گوو (۱۹۸۳)	فراوانی از سخن مشارکت در توسعه روستایی: چگونه می‌توان این کار را انجام داد؟
۹	جوما (۲۰۰۵)	نقش مشارکت جامعه در منطقه جهت استراتژی برنامه‌ریزی توسعه روستایی: مطالعه موردی منطقه بوسیا در کنیا
۱۰	عارف (۲۰۰۹)	مشارکت مردم در توسعه جوامع: مطالعه موردی طرح مسکونی روستای مالزی
۱۱	دورگا <sup>۱</sup> (۲۰۱۳)	مشارکت مردم در توسعه سیکیم
۱۲	استیافو <sup>۲</sup> (۲۰۱۳)	مشارکت کشاورزان ایتالیایی در سیاست توسعه روستایی
۱۳	سلبی مدزیوهاندیا (۲۰۱۴)	مشارکت جامعه در فرایندهای برنامه‌ریزی دولت محلی: یک گام مهم برای رسیدن به خدمات موفقیت آمیز
۱۴	احمد و نورانی (۲۰۱۵)	توانمندسازی جوامع محلی: تمرکززدایی، توانمندسازی و توسعه جامعه محور
۱۵	پارک و کیم (۲۰۱۴)	تقویت مشارکت محلی و توانمندسازی جامعه از طریق تمرین Cittaslow تجربه‌ای از گولوه، استرالیا جنوبی
۱۶	سوپینجانتو و همکاران (۲۰۱۳)	مدلی از اثربخشی سیاست توانمندسازی مشارکت جنگل‌داری با جنگل

مروری بر طرح‌های توسعه‌ی روستایی در ایران حاکی از غلبه الگوهای توسعه مبتنی بر سنجش نیازها به وسیله برنامه‌ریزان از فرایندی از بالا به پایین است. آثار سوء این نگرش به تدریج موجب شده تا یک حرکت قابل توجه از رویکرد اجتماع محور و تقاضامدار در برنامه‌های توسعه و به خصوص توسعه در اجتماعات محلی به وجود آید (حسن زاده، ۱۳۸۷: ۲۲). در واقع هر الگوی توسعه محلی که مبتنی بر رویکرد اجتماع محور باشد، راه را برای پایداری خواهد گشود که می‌تواند به توانمندسازی به مفهوم مقتدر شدن اجتماعات محلی بپردازد (حسن زاده، ۱۳۸۷: ۲۲). چنین رویکردی در گرو جامع‌نگری به مقوله توسعه، درگیر کردن دست اندرکاران و ذینفعان در تمامی مراحل و توانمندکردن آنها برای مشارکت و مدیریت برنامه‌های توسعه‌ای است. در واقع مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی‌های محلی می‌تواند منجر به تمرکززدایی شده و از محدودیت‌های برنامه‌ریزی بالا به پایین بکاهد (برقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۹-۱۳۸).

قرار دادن دو واژه "توسعه" و "جوامع" با هم، به معنی اجتماعی است که هدف آن بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی و ... جامعه است (Gilchrist, 2004: 9). توسعه جوامع با ایجاد ظرفیت‌های اجتماعی از طریق تمرکز بر ایجاد ظرفیت به نیروی مشارکت جمعی مرتبط است (Williams, 2004: 729-733). توسعه جوامع به ساکنان محلی کمک می‌کند تا نیازهای خود را شناسایی کنند. این پی‌گیری ظرفیت از طریق بهبود مهارت و دانش برای افراد و جامعه به طور کلی است (Gilchrist, 2004: 9). در واقع توسعه جوامع به عنوان بهترین راه برای ایجاد ظرفیت ساکنان جامعه برای همکاری با یکدیگر و یافتن راه‌حلهایی برای مسائل مربوط به جامعه آنها است. توسعه جوامع دارای توانایی ایجاد انسجام اجتماعی با تسهیل ظرفیت جامعه برای برقراری ارتباط بین افراد، سازمان‌ها و گروه‌ها است (Chaskin et al., 2001: 44). در واقع کمک به جامعه برای ایجاد ظرفیت برای توسعه، هدف اصلی توسعه جوامع است (Ife, 2002: 31). توسعه جوامع براهمیت مشارکت به‌عنوان وسیله‌ای برای تقویت جوامع محلی تاکید دارد (Kuponiyi, 2008). افزایش ظرفیت‌سازی جامعه نتیجه موفقیت آمیز اجتماعات است (Hackett, 2004: 239).

در این راستا، زمانی که پروژه بین‌المللی منارید با تغییر رویکرد نگاه از بالا به پایین به نگاه از پایین به بالا همراه باشد، در این صورت توانمندسازی ذینفعان محلی مورد توجه قرار گرفته می‌شود و به دنبال آن، مشارکت واقعی همه ذینفعان محلی را نیز به همراه خواهد داشت. در ادبیات توسعه، مفهوم توانمندسازی به منظور مشارکت در فعالیت‌های مختلف از دو جنبه و رویکرد بررسی شده است: الف: رویکرد انگیزشی توانمندسازی، که به تواناسازی و تقویت خودباوری اشاره می‌کند. ب: رویکرد روانشناختی توانمندسازی، که توانمندسازی را به طور وسیع‌تر به مثابه یک حرکت انگیزش درونی در ارتباط با شغل تعریف می‌کند که شامل چهار احساس درونی معنادار بودن، شایستگی، تاثیر، خودتعیینی و اعتماد است (Fernandez & Moldogaziev, 2013: 155-187). توانمندسازی بسته به ساختار قدرت، می‌تواند به صورت مولد (مشارکت فعالانه) و یا نامولد (مشارکت منفعلانه) بروز نماید، به گونه‌ای

که تغییر در ساختار قدرت به منظور توانمندسازی همه‌جانبه اجتماعات محلی، می‌تواند خوداتکایی آنها را برای توسعه جوامع محلی تضمین نماید (Giampiccoli & Mtapuri, 2012: 29-43). در این راستا، توسعه جوامع محلی، تمرکز بر روش‌های توانمندسازی به منظور افزایش تمایل جامعه روستایی برای مشارکت در پروژه‌های توسعه است. با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت توسعه جوامع محلی به تمامی وجوه روستایی (اقتصادی، اجتماعی، محیطی، زیرساختی، کالبدی-فیزیکی) با تاکید بر جنبه‌های توانمندسازی و مبتنی بر کنش‌ها و تصمیمات جمعی، به عنوان یکی از مهمترین عوامل توجه داشته، به تقویت بنیادهای آن در فضاهای روستایی می‌اندیشد و زمینه را برای تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی در ابعاد مختلف فراهم می‌سازد. شکل (۱)، مدل ادراکی پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از حیث روش گردآوری و تحلیل اطلاعات، توصیفی - تحلیلی است. گردآوری داده‌های میدانی با بهره‌گیری از پرسشنامه محقق ساخته بوده که به روش پیمایشی همراه با مصاحبه تکمیل گردید. متغیر وابسته این تحقیق توسعه جوامع محلی است. این متغیر تابعی از متغیرهای مستقل است که در ادامه تشریح می‌شوند. برای اندازه‌گیری و پیش‌بینی توسعه جوامع محلی، متغیر وابسته در پنج بُعد به نام‌های (اقتصادی، اجتماعی، محیطی، زیرساختی و کالبدی-فیزیکی) دسته بندی شد. هر یک از ابعاد نیز توسط گویه‌هایی (در مجموع ۸۳ گویه) تعریف شده‌اند.

ابزار گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر، پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه بوده است. اساس طراحی پرسشنامه، متغیرهای استخراج شده از ادبیات نظری و پیشینه پژوهش و بومی‌سازی آنها متناسب با منطقه مورد مطالعه بود. اعتبار (روایی) محتوایی و ظاهری پرسشنامه تحقیق با استفاده از نظرات برخی از متخصصان رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی از سوی تعدادی اساتید برتر دانشگاه‌های ایران، تایید گردید. به منظور اثبات قابلیت اعتماد (پایایی) پرسشنامه‌های این تحقیق، از آزمون آلفای کرونباخ بهره گرفته شد که با استفاده از یافته‌های پیش‌آزمون صورت گرفته (۳۰ پرسشنامه تکمیل شده) نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰، میزان آلفای کرونباخ به دست آمده نشان می‌دهد پایایی پرسشنامه برای انجام تحقیق قابل قبول است (جدول ۲).

جدول ۲. میزان آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های مورد بررسی در پرسشنامه پژوهش

مقدار آلفای کرونباخ	تعداد گویه	ابعاد متغیر
۰/۸۲	۲۴	اقتصادی
۰/۷۵	۱۵	اجتماعی
۰/۸۹	۲۳	محیطی
۰/۸۳	۲۲	زیرساختی و کالبدی-فیزیکی

جامعه آماری شامل سه روستاها و یک شهر کوچک علی اکبر در شهرستان هامون است که پروژه منارید در آنجا اجرا شده است. تعداد خانوار در محدوده مطالعاتی ۱۷۱۷ خانوار (سرشماری سال ۱۳۹۵) است که بر اساس نمونه‌گیری تصادفی و استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۱۴ نفر به عنوان جامعه نمونه در روستاها و شهر مورد مطالعه انتخاب گردیدند. جدول (۳)، تعداد خانوار و تعداد نمونه از روستاهای محدوده پروژه منارید در هامون را نشان می‌دهد.

جدول ۳. جامعه نمونه در روستاها و شهرک علی اکبر

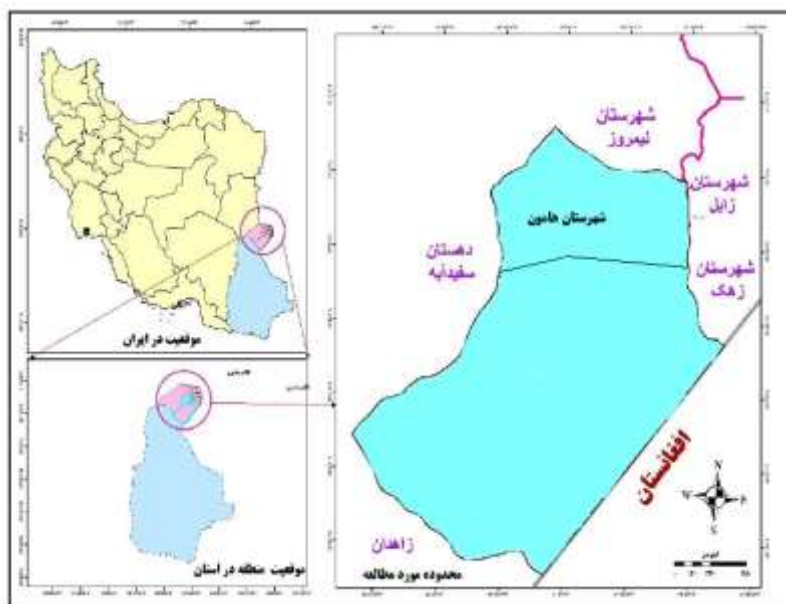
روستا	سال	تعداد خانوار	تعداد نمونه
روستای نمونه سنجولی	۱۳۹۵	۱۳۸	۲۶
روستای نمونه ده بلند	۱۳۹۵	۶۵	۱۲
روستای نمونه کیخا	۱۳۹۵	۱۲۲	۲۲
شهر علی اکبر	۱۳۹۵	۱۳۹۲	۲۵۴
مجموع		۱۷۱۷	۳۱۴

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

برای تحلیل داده‌ها، آزمون آماری تی تک نمونه‌ای و مدل فازی ممدانی در نرم افزار SPSS بکار گرفته شد. همچنین، از نرم‌افزار GIS برای ترسیم نقشه‌ها استفاده شده است.

## قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان هامون در مختصات جغرافیایی ۶۰ درجه و ۹۶ دقیقه تا ۶۱ درجه دقیقه طول شرقی و ۹۰ درجه و ۰ دقیقه تا ۹۱ درجه عرض شمالی واقع شده است و از سمت شمال به شهرستان نیمروز، از سمت شرق به شهرستان زابل و زهک، از سمت جنوب شرق به کشور افغانستان و از سمت جنوب به شهرستان زاهدان محدود می‌شود (شکل ۲). شهرستان هامون حدود ۶۳۱۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و دو شهر، دو بخش، شش دهستان و ۱۰۶ آبادی دارای سکنه دارد. محدوده مورد مطالعه پروژه منارید به وسعت ۲۰۰۷۰ هکتار، در دهستان محمدآباد از بخش شیب آب قرار دارد. این محدوده از شمال به رودخانه سیستان (نهراب)، از شرق به راه ارتباطی زابل-زاهدان، از جنوب به کانال سیمانی شماره یک شیب آب و از غرب به اراضی مرتعی دریاچه هامون هیرمند محدود می‌گردد و میانگین ارتفاع آن ۴۷۳ متر از سطح دریا است. این عرصه به صورت یک دلتا است که شیب خیلی کم به طرف هامون داشته و خاکش بسیار ریزدانه است. شهرستان هامون نیز دارای چهار دهستان (محمدآباد، لوتک، تیمورآباد، کوه خواجه) می‌باشد. پایلوت پروژه بین‌المللی منارید در سه روستا به نام‌های (کیخا، سنجولی، بلند) و شهر علی اکبر است (شکل ۲).



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی شهرستان هامون و محدوده پایلوت منارید

## یافته‌ها و بحث

هدف از اجرای پروژه بین‌المللی منارید، اقدامات برای تسهیل ارتباطات، اعتمادسازی و تعامل و همکاری بین جوامع محلی و ارائه دهندگان خدمات دولتی به منظور تعامل در زمینه مسائل معیشت تطبیقی، تخریب سرزمین و کمبود آب در حوضه‌های آبخیز در سایت‌های نمونه، و تقویت شبکه‌های اجتماعی و افزایش انسجام اجتماعی است. این پروژه در سال‌های اخیر در مقیاس کم آثار و پیامدهای گوناگونی در روستاها و شهر پایلوت منارید داشته است. از این رو، یکی از ضرورت‌های اساسی برنامه‌ریزی روستایی، شناخت پیامدها و آثار پروژه یاد شده در ابعاد گوناگون است. بدین منظور و با توجه به روابط متقابل بین اثر پروژه منارید و توسعه جوامع محلی (در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی، زیرساختی، کالبدی-فیزیکی)، درصدد شناسایی و ارزشیابی اثر این پروژه بر توسعه جوامع محلی در ابعاد مذکور برآمدیم. از این رهگذر، زمینه برای پی‌بردن به نقاط قوت و ضعف، بهبود فرایند برنامه‌ریزی و اجرای بهتر پروژه منارید فراهم خواهد شد. در ادامه نتایج به تفکیک هر یک از ابعاد ارایه می‌شود.

جدول ۴. ارزیابی اثر پروژه بین‌المللی منارید بر توسعه جوامع محلی (روستاها و شهر پایلوت در هامون) در بعد اقتصادی

فاصله اطمینان	معناداری (۲ دامنه)	T	میانگین	گویه‌ها (بعد اقتصادی)	
				بالا	پایین
۲/۲۵	۲/۵۰	۰/۰۰۰	۳۷/۶۷۴	۲/۳۷	افزایش درآمد در بخش غیر کشاورزی
۲/۳۸	۲/۵۹	۰/۰۰۰	۴۶/۷۲۹	۲/۴۸	افزایش درآمد در بخش کشاورزی
۲/۲۰	۲/۴۳	۰/۰۰۰	۳۹/۴۱۰	۲/۳۱	تنوع کشت کشاورزی در زمین زراعی
۲/۰۹	۲/۳۱	۰/۰۰۰	۳۸/۹۵۰	۲/۲۰	تنوع منابع درآمدی در بخش زراعی
۲/۱۹	۲/۳۴	۰/۰۰۰	۵۸/۹۲۷	۲/۲۶	تنوع منابع درآمدی در بخش باغی
۲/۲۲	۲/۴۱	۰/۰۰۰	۴۹/۶۶۸	۲/۳۱	تنوع منابع درآمدی در بخش جالیز و سبزیجات
۱/۹۳	۲/۰۶	۰/۰۰۰	۶۱/۰۹۲	۱/۹۹	تنوع منابع درآمدی در بخش دامی
۲/۲۳	۲/۳۹	۰/۰۰۰	۵۷/۴۲۱	۲/۲۳	تنوع محصولات در بخش فرآوری شده کشاورزی ( )
۲/۱۶	۲/۲۹	۰/۰۰۰	۶۶/۷۹۱	۲/۲۲	تنوع فروش محصولات فرآوری شده در بخش دامی
۲/۸۵	۲/۹۹	۰/۰۰۰	۷۸/۸۷۷	۲/۹۲	تنوع واحدهای تولیدی
۲/۰۳	۲/۱۶	۰/۰۰۰	۶۳/۳۳۹	۲/۰۹	تنوع منابع درآمدی در بخش صنعت
۱/۹۷	۲/۰۷	۰/۰۰۰	۷۷/۱۱۹	۲/۰۲	تنوع منابع درآمدی در بخش خدمات
۲/۰۴	۲/۱۶	۰/۰۰۰	۶۴/۸۵۹	۲/۱۰	تنوع منابع درآمدی در بخش فعالیت‌های خانگی
۲/۶۸	۲/۸۶	۰/۰۰۰	۶۱/۸۱۰	۲/۷۷	گسترش فعالیت‌های مربوط به صنایع دستی
۲/۳۹	۲/۵۳	۰/۰۰۰	۶۸/۲۷۳	۲/۴۶	خود اکتایی از لحاظ مالی
۲/۱۴	۲/۲۵	۰/۰۰۰	۷۳/۳۹۴	۲/۲۰	مکانیابی مناسب برای فعالیت‌های تولیدی
۲/۴۳	۲/۵۸	۰/۰۰۰	۶۷/۲۲۳	۲/۵۱	بازاریابی محصولات صنعتی

بر اساس اطلاعات جدول (۴) می‌توان بیان داشت، پروژه بین‌المللی منارید در هیچ یک از شاخص‌های اقتصادی تاثیر مطلوبی در روستاها و شهر پایلوت نداشته است. طبق نتایج به دست آمده از آزمون تی تک نمونه‌ای، گویه افزایش درآمد در بخش غیرکشاورزی با مقدار میانگین (۲/۳۷) کمتر از حد متوسط عدد ۳، گویای تاثیر کم این پروژه بر این گویه است. نتایج موید این مطلب است که با وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های انسانی و طبیعی مناسب در ناحیه هامون که به عنوان یک مزیت برای توسعه جوامع محلی روستاها و شهر علی اکبر قلمداد می‌شود، اکثر فعالیت‌ها از نوع اشتغال به زیربخش‌های کشاورزی (زراعت، باغبانی، دامداری) است که گاهی برای تولید روزانه روستا همراه است و افزایش درآمدها از سوی بخش غیرکشاورزی که جزء اهداف پروژه منارید است، به دست نیامده است. همچنین این پروژه در گویه‌هایی از جمله (افزایش درآمد در بخش کشاورزی، تنوع کشت کشاورزی در زمین زراعی، تنوع منابع درآمدی در بخش زراعی، تنوع منابع درآمدی در بخش باغی، تنوع محصولات در بخش فرآوری شده کشاورزی) با مقدار میانگین به دست آمده کمتر از حد متوسط عدد ۳، تاثیر مطلوبی نداشته است. در واقع، بسیاری از ساکنان روستاها و شهر مورد مطالعه به طور عمده به کشاورزی در اندازه‌های کوچک مشغولند، درآمد خانواده نیز از این راه تامین می‌شود اما، به سبب شیوه کشاورزی سنتی و کمبود آب که به گفته اهالی با توزیع نامناسب نیز همراه است، محصول چندانی از هر



هکتار زمین برداشت نمی‌شود. بر این اساس، می‌توان گفت درآمد جوامع محلی از کشاورزی جوابگوی گذران زندگی آنان نباشد. بر اساس نتایج به دست آمده، پروژه منارید در گوپه (تنوع در بخش دامی) با میانگین به دست آمده پایین‌تر از حد متوسط عدد ۳، تاثیر مطلوبی نداشته است، بر اساس مطالعات صورت گرفته، دامداری و دامپروری در اندازه‌های بزرگ در روستاها و شهر پایلوت منارید وجود ندارد و تنها چند خانواده یک یا دو گاو و یا چند گوسفند و بز دارند که محصولات فرآوری شده (ماست، کشک، پنیر و روغن) تنها مصارف خانواده آنها را تامین می‌کند و تولیدات آنان برای عرضه به بازار کافی نیست. همچنین، از دیدگاه بسیاری از اهالی روستای سنچولی، ۵۰ تا ۶۰ هکتار مرتع در روستا تصرف و محصور شده است (ظاهراً با هدف قرق کردن و تقویت پوشش گیاهی) به طوریکه اهالی اجازه چرای دام را در آن ندارند. این موضوع، علاوه بر اینکه نگهداری دام را برای دامداران به سبب عدم تمکن مالی در تامین علوفه زیان آور ساخت، سبب اختلافات گسترده‌ای در این روستا نیز شده است. همچنین در رابطه با گوپه‌های (گسترش فعالیت‌های مربوط به صنایع دستی، مکان‌بایی واحدهای تولیدی، امکان رقابت محصولات صنعتی کارگاه با تولیدات صنایع شهری، تامین شغل در روستا، افزایش فرصت‌های شغلی در روستا، کاهش بیکاری فصلی و ...) می‌توان بیان داشت که این پروژه تاثیر مطلوبی نیز در این گوپه‌ها نداشته است.

#### جدول ۵. ارزیابی اثر پروژه بین‌المللی منارید بر توسعه جوامع محلی (روستاها و شهر پایلوت در هامون) در بعد اجتماعی

فاصله اطمینان	معناداری (۲ دامنه)		T	میانگین	گوپه‌ها (بعد اجتماعی)
	بالا	پایین			
۲/۵۶	۲/۷۲	-/۰۰۰	۶۷/۷۹۷	۲/۶۴	تجربه و مهارت در صنایع روستایی
۲/۰۰	۲/۱۴	-/۰۰۰	۶۱/۰۵۸	۲/۰۷	افزایش سطح سواد
۱/۹۵	۲/۰۴	-/۰۰۰	۸۰/۹۴۵	۲/۰۰	علاقه جوانان به مشاغل کشاورزی
۱/۷۹	۱/۹۱	-/۰۰۰	۶۱/۱۶۹	۱/۸۵	بازگشت بستگان به روستا
۲/۰۵	۲/۱۹	-/۰۰۰	۶۱/۶۸۳	۲/۱۲	بالا بودن سطح مشارکت در طرح‌های
۳/۴۰	۳/۵۶	-/۰۰۰	۸۵/۲۵۲	۳/۴۸	اطلاع از تعاونی و مزایای آن
۳/۰۰	۳/۲۳	-/۰۰۰	۷۶/۵۷۶	۳/۱۳	توسعه فرهنگ مشارکت ساکنین
۳/۱۸	۳/۳۳	-/۰۰۰	۸۵/۶۸۰	۳/۲۵	افزایش خودباوری در زمینه توانایی‌های افراد
۳/۱۵	۳/۲۸	-/۰۰۰	۹۸/۲۸۱	۳/۲۱	افزایش مشارکت زنان در امور توسعه
۲/۹۰	۳/۰۶	-/۰۰۰	۷۳/۵۹۰	۳/۰۰	همبستگی و ارتباط جمعی بین زنان
۲/۵۸	۲/۷۱	-/۰۰۰	۷۵/۹۹۹	۲/۶۴	علاقمندی و انگیزه بالای تحصیل بین زنان و دختران
۲/۹۹	۳/۱۴	-/۰۰۰	۸۴/۹۱۹	۳/۰۷	وجود شبکه‌های اجتماعی و اقتصادی برای زنان
۲/۸۳	۳/۰۱	-/۰۰۰	۶۶/۴۶۴	۲/۹۲	بالارفتن تحرک و جابه جایی در میان زنان جوان به نسبت زنان میانسال
۳/۰۵	۳/۱۵	-/۰۰۰	۱۱۵/۰۹۷	۳/۱۰	امنیت اجتماعی مناسب برای رفت و آمد زنان
۲/۸۹	۳/۰۳	-/۰۰۰	۶۵/۳۳۳	۲/۹۸	بالا رفتن سن ازدواج دختران

طبق نتایج جدول (۵)، پروژه منارید در بُعد (اجتماعی)، در گوپه‌های (افزایش خودباوری در زمینه توانایی‌های افراد در روستا، افزایش مشارکت زنان خانواده در امور توسعه روستا، همبستگی و ارتباط جمعی بین زنان در روستا، وجود شبکه‌های اجتماعی و اقتصادی برای دختران و زنان در روستا، امنیت اجتماعی مناسب برای رفت و آمد زنان و دختران) با مقدار میانگین‌های به دست آمده بالاتر از حد متوسط عدد ۳، تاثیر مطلوبی داشته است و در سایر گوپه‌ها با مقدار میانگین‌های به دست آمده پایین‌تر از حد متوسط عدد ۳، تاثیر مطلوبی نداشته است. یکی از مهمترین اهداف پروژه، مشارکت جوامع محلی است، لازمه مشارکت و مدیریت مشارکتی در پروژه منارید وجود زیرساخت‌های آن است. بنابراین، برای نهادینه شدن این مهم در جلسات متعدد برای تشکیل یک سازمان اجتماعی، بتدریج گروه‌های توسعه روستایی متشکل از گروه‌های منفک زنان، مردان و مختلط با مدیریت دستگاه‌های اجرایی پروژه بین‌المللی منارید که اغلب افراد ذی نفوذ و مقتدری بودند شکل گرفت. تشکیل این گروه‌ها یک دستاورد بزرگی بود چرا که این سرمایه اجتماعی مهم چنانچه بتدریج اهمیت تلاش‌های گروهی را دریابد پایدار می‌ماند و می‌تواند نقش مهم و اساسی را در آینده داشته باشد. بر اساس مطالعه سند (برنامه‌های روستا با پیشنهاد دستگاه‌های اجرایی) و جلسات صورت گرفته از سوی دستگاه‌های اجرایی با مردم روستا، زنان روستای بلند نسبت به سایر روستاها قابلیت بالایی در تصمیمات مردان داشته اما، در

روستای سنچولی در پی جلسات صورت گرفته از سوی دستگاه‌های اجرایی پروژه منارید، زنان و مردان در آغاز مشارکتی در فعالیت‌های روستا نداشتند و حتی بخاطر مسائل حل نشده شخصی دچار درگیری لفظی در جمع‌های خود می‌شدند. ناسازگاری‌های زیاد بین خود اهالی داخل روستا سبب شده که ورود دستگاه‌های اجرایی به روستا به سختی امکان‌پذیر باشد. مردان و زنان روستای سنچولی به دلیل این ناسازگاری‌ها در تجربه قبلی به جمع‌شدن و تشکیل گروه موافق نبودند و این تجربه قبلی سبب شده بود تا مردان تمایلی به دوباره جمع‌شدن نداشته باشند. اما زنان این روستا با اینکه تجربه ناموفق قبلی را داشتند به دلیل جوان بودن و حس شور و شوق جوانی و همچنین داشتن تحصیلات دانشگاهی تعدادی از آنها، نهایتاً گروه زنان روستای سنچولی تشکیل شد.

در رابطه با روستای کیخا می‌توان گفت این روستا به دلیل نزدیکی به شهر زابل و ارتباط تنگاتنگ مسئولین دستگاه‌های اجرایی با معتمد و بزرگ روستا، از جمله روستاهای با فرهنگ نزدیک به شهر است. زنان روستای کیخا با تشکیل دو گروه، بسیار منسجم‌تر و فعال‌تر و توانمندتر از مردان نشان دادند، به طوری که محصولات بومی سیستان با نام (کشک زرد و آچار) را به صورت محلی تولید و در بازارهای کشور نیز عرضه می‌کنند. همچنین گروه‌های دیگر زنان این روستا به دنبال احیای لباس سیستانی با نام چهل تریزه و سیاه دوزی، عروسک‌های محلی با نام لوبتک، قصه‌های محلی با نام آسوکه، و مشاعره محلی بودند. در واقع دو گروه زنان این روستا پتانسیل بالایی در اجرای کارهای مشارکتی داشته‌اند. اما در شهر علی‌اکبر، مردان و زنان این شهر به دلیل سطح درآمدی پایین قدرت ریسک‌پذیری داشتند به همین دلیل مردان برای حضور زنان در جلسات دخالت می‌کردند که این باعث شده است تا قدرت تصمیم‌گیری زنان کاهش پیدا کند. در این شهرک زمین و دارایی به نام زنان اصلاً ثبت نمی‌شود و اگر هم به زنی ارثی برسد به اسم مرد ثبت می‌شود. همه این عوامل در محدود شدن روابط اجتماعی زنان و حضور زنان در محافل و نشست‌های عمومی تأثیر داشته است. به دنبال کاهش رفت و آمد زنان نیز، مردان هم ارتباطی نداشته و همسایگان نیز از حال هم کمتر خبر داشته‌اند. اما با همه محدودیت‌های اجتماعی برای زنان، یکی از تفکراتی که باعث گردهم آمدن گروه زنان شهرک علی‌اکبر (گروه هامون) شد این بود که زنان این شهر علاوه بر جایگاه اقتصادی، از لحاظ اجتماعی نیز جایگاه خود را ارتقاء دهند تا پا به پای همسرانشان در امور زندگی نظر داده و سطح زندگی خود را بالا ببرند. ولی پس از تشکیل گروه، مشخص شد که زنان از قدرت ریسک‌پذیری پایین جهت تصمیم‌گیری برخوردارند و این را می‌توان از تشکیل گروه خرد با افراد خانواده و فامیل نزدیک پی برد. همه این جلسات صورت گرفته از سوی دستگاه‌های اجرایی و بیان نقاط قوت، ضعف، تهدیدها و فرصت‌های هر یک از روستاها از سوی زنان روستا در سنین بین ۱۸ تا ۷۰ سال، سبب گردید (همبستگی و ارتباط جمعی بین زنان در روستا، افزایش خودباوری در زمینه توانایی‌های افراد در روستا، افزایش مشارکت زنان خانواده در امور توسعه روستا، و بالابردن سطح مشارکت در طرح‌های توسعه روستایی) گسترش یابد. البته قابل ذکر است که شاخص همبستگی و ارتباط اجتماعی بین زنان و مردان متأثر از ساختار اجتماعی در مناطق روستایی سیستان است. این ساختار، به طور عمده مبتنی بر مناسبات قومی، طایفه‌ای و متأثر از بافت فرهنگی و باورهای محلی است. در واقع قرار گرفتن اکثر افراد هر روستا در پایگاه اجتماعی (قوم) به انسجام و همبستگی بیشتر در این مناطق منجر شده است. موضوع مهم دیگر این است که شرکت در جلسات متعدد و ارتباط با سایر زنان و دستگاه‌های اجرایی و همچنین مردان روستا، اعتماد به نفس زنان را افزایش داده و به آنها قدرت اظهار نظر و بیان دغدغه‌های توسعه‌ای خود را داده است. حتی آنها شانس مدیریت گروه خود را طی جلسات پیدا کردند و در نهایت هراس کمتری از اینکه مردان آنها را رها کنند دارند.

همچنین قابل ذکر است، زنان روستاهای مورد مطالعه و شهر علی‌اکبر نیز مانند همه زنان روستایی کشور حضور فعالی در فعالیت‌های اقتصادی منطقه شامل کشاورزی، دامداری و به ویژه صنایع دستی دارند. یکی از فعالیت‌های پروژه منارید در راستای بازاریابی محصولات تولیدی گروه‌های توسعه روستایی، شرکت زنان عضو گروه‌های توسعه روستایی در نمایشگاه‌های مختلف و عرصه صنایع دستی و محصولات تولیدی خود می‌باشد. معمولاً قسمت اعظمی از آنچه در نمایشگاه‌ها به نمایش در می‌آید حاصل کار اعضای زن گروه‌های توسعه روستا بودند که یا صنایع دستی منطقه بوده و یا تولیدات اعضای گروه‌های روستاست که پس از طی دوره‌های آموزشی پروژه آنها را با هدف درآمدزایی پس از اخذ وام تولید نموده‌اند. هر چند خیلی این تولیدات در عرصه اقتصاد خانواده و روستا موثر نبود ولی در توسعه فرهنگ مشارکت و افزایش مشارکت زنان روستا و به دنبال آن افزایش شبکه‌های اجتماعی در بین زنان فامیل و خانواده و همچنین امنیت اجتماعی مناسب برای رفت و آمد زنان و دختران فامیل و خانواده موثر می‌باشد. البته قابل ذکر است مولفه مشارکت اجتماعی، اگر چه در بُعد محلی و در بین ساکنان محدوده پروژه وجود دارد، اما در بُعد همکاری و مشارکت در برنامه‌های توسعه‌ای نسبتاً کم‌رنگ است. فرهنگ مشارکت در زمینه ساخت و توسعه پروژه‌های دیگر (از

قبیل ساخت مدرسه، کتابخانه، مکان‌های فرهنگی و ورزشی و ... چشم‌گیر نیست چرا که بسیاری از مردم روستا فکر می‌کنند که طرح‌های توسعه در روستاها به جایی نمی‌رسد و آثار این طرح‌ها بر زندگی شخصی و بهبود رفاه اجتماعی در محیط پیرامونی کمتر است. یکی دیگر از گویه‌های تاثیرپذیر از پروژه منارید (بالا رفتن سن ازدواج دختران) است. هنجار غالب در روستاهای سیستان از جمله روستاهای هامون، تاکید بسیار خانواده و اقوام بر ازدواج زود هنگام دختران است. از دیدگاه بسیاری از زنان، دختران جوان با شرکت در جلسات متعدد در پروژه منارید و مشارکت هم پای مردان در طرح‌های توسعه، دیگر کمتر تمایل به ازدواج دارند. از دیگر تاثیرات پروژه بین‌المللی منارید بر گویه اطلاع‌یابی از تعاونی و مزایای آن است. بر طبق نظرات مردان و زنان روستاهای پایلوت، پروژه منارید در اطلاع‌یابی آنها از تعاونی و مزایای آن بسیار موثر بوده است.

#### جدول ۶. ارزیابی اثر پروژه بین‌المللی منارید بر توسعه جوامع محلی (روستاها و شهر پایلوت در هامون) در بعد محیطی

فاصله اطمینان		معناداری (۲ دامنه)	T	میانگین	گویه‌ها (بعد محیطی)
پایین	بالا				
۱/۸۹	۱/۹۹	۰/۰۰۰	۷۹/۳۱۰	۱/۹۴	کاهش فرسایش خاک زمین
۲/۰۰	۲/۱۲	۰/۰۰۰	۶۸/۶۸۴	۲/۰۶	استفاده از کودهای حیوانی
۲/۲۶	۲/۴۶	۰/۰۰۰	۴۵/۵۸۰	۲/۳۶	آگاهی از مدیریت پسماند
۱/۹۰	۲/۱۱	۰/۰۰۰	۵۶/۶۹۲	۲/۰۰	کاهش چرای دام در مراتع
۲/۱۲	۲/۴۵	۰/۰۰۰	۷۹/۵۲۶	۲/۳۳	کاشت درخت در مسیر باد
۲/۰۴	۲/۱۷	۰/۰۰۰	۹۱/۴۱۴	۲/۱۰	کشت درختان در حاشیه زمین زراعی
۲/۴۲	۲/۵۸	۰/۰۰۰	۶۰/۸۹۶	۲/۵۰	افزایش آگاهی از منشاء توفان و ماسه بادی
۲/۷۷	۲/۸۶	۰/۰۰۰	۱۲۷/۶۶۲	۲/۸۲	استفاده از گیاهان ریشه‌ای
۲/۷۹	۳/۱۹	۰/۰۰۰	۳۹/۷۳۸	۲/۹۹	تغییر نوع کشت سازگار با نوع خاک
۲/۸۱	۲/۹۲	۰/۰۰۰	۱۰۴/۰۵۴	۲/۸۷	کم کردن سطح زیر کشت
۲/۹۷	۳/۰۵	۰/۰۰۰	۱۵۳/۳۲۰	۳/۰۱	آموزش جهت کشت‌های متنوع در زمین زراعی
۲/۰۲	۲/۱۴	۰/۰۰۰	۶۸/۸۸۶	۲/۰۸	استفاده از کانال‌های بتونی و لوله‌گذاری در زمین زراعی
۱/۷۳	۱/۸۶	۰/۰۰۰	۵۲/۹۸۳	۱/۸۰	استفاده از آبیاری قطره‌ای و بارانی در زمین زراعی
۲/۴۹	۲/۶۶	۰/۰۰۰	۵۸/۲۸۶	۲/۵۷	تاب‌آوری محصولات کشاورزی در برابر اقلیم
۲/۰۲	۲/۱۳	۰/۰۰۰	۷۳/۳۴۷	۲/۰۷	کاهش تخریب زمین کشاورزی
۲/۸۱	۲/۹۱	۰/۰۰۰	۱۱۶/۷۴۳	۲/۸۶	کاهش تغییرات کاربری
۱/۷۹	۱/۹۱	۰/۰۰۰	۶۰/۴۸۸	۱/۸۵	پاکیزی محیط روستا
۱/۶۰	۱/۷۱	۰/۰۰۰	۵۹/۶۹۷	۱/۶۶	کاهش آلودگی ناشی از گرد و غبار
۱/۶۴	۱/۷۴	۰/۰۰۰	۶۵/۰۶۱	۱/۶۹	کنترل یا تثبیت ماسه‌های روان
۱/۶۱	۱/۷۳	۰/۰۰۰	۵۳/۷۱۸	۱/۶۷	جمع‌آوری و دفع زباله
۱/۶۸	۱/۸۰	۰/۰۰۰	۵۵/۹۵۲	۱/۷۴	کیفیت آب آشامیدنی لوله کشی
۱/۵۳	۱/۶۵	۰/۰۰۰	۵۱/۶۹۳	۱/۵۹	ایجاد و گسترش فضای سبز

پروژه منارید در بعد محیطی در گویه‌هایی از جمله (ترویج و اجرای کلاس‌های آموزشی از طرف مروجین منطقه، آموزش جهت کشت‌های متنوع در زمین زراعی)، با مقدار میانگین به دست آمده بیشتر از حد متوسط عدد ۳، بیشترین میزان تاثیر را داشته است و در سایر شاخص‌ها کمترین میزان تاثیر را داشته است.

#### جدول ۷. ارزیابی اثر پروژه بین‌المللی منارید بر توسعه جوامع محلی (روستاها و شهر پایلوت در هامون) در بعد زیرساختی و کالبدی-فیزیکی

فاصله اطمینان		معناداری (۲ دامنه)	T	میانگین	گویه‌ها (بعد زیرساختی و کالبدی-فیزیکی)
پایین	بالا				
۲/۹۵	۳/۰۳	۰/۰۰۰	۱۳۵/۴۷۹	۳/۰۰	دسترسی به نهاده های کشاورزی
۲/۹۲	۳/۳۰	۰/۰۰۰	۳۲/۰۵۵	۳/۱۱	دسترسی به تعاونی روستایی
۲/۷۴	۲/۸۵	۰/۰۰۰	۱۰۰/۴۳۰	۲/۸۰	دسترسی به نانوايي

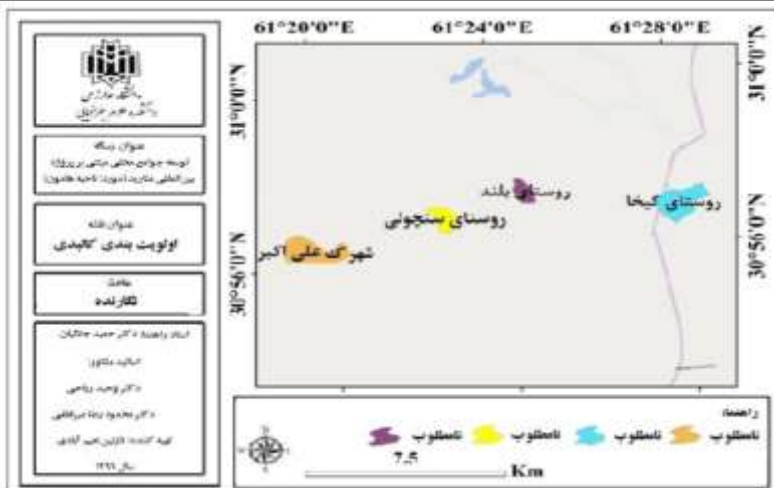
۲/۴۹	۲/۶۶	۰/۰۰۰	۶۶/۸۸۹	۲/۵۵	دسترسی به مغازه پوشاک و خواربار فروشی
۲/۰۵	۲/۱۷	۰/۰۰۰	۶۹/۷۳۸	۲/۱۱	دسترسی به مکانهای تولید برای فعالیتهای زنان
۲/۰۴	۲/۱۵	۰/۰۰۰	۷۴/۲۶۰	۲/۱۰	دسترسی به موقع آب برای کشاورزی
۱/۹۹	۲/۱۱	۰/۰۰۰	۶۴/۳۷۲	۲/۰۵	دسترسی به حمل و نقل عمومی
۱/۹۵	۲/۰۶	۰/۰۰۰	۷۱/۴۶۰	۲/۰۱	وجود راه کشاورزی زمین زراعی در روستا
۲/۰۰	۲/۱۱	۰/۰۰۰	۷۲/۹۱۶	۲/۰۶	دسترسی به مراکز بهداشتی در روستا
۲/۴۸	۲/۶۱	۰/۰۰۰	۷۹/۳۰۷	۲/۵۵	دسترسی به مراکز آموزشی
۱/۹۹	۳/۱۲	۰/۰۰۰	۶۴/۶۴۵	۲/۰۶	بازآفرینی مسکن فرسوده
۲/۰۰	۲/۱۴	۰/۰۰۰	۵۶/۷۱۹	۲/۰۷	نوسازی مسکن
۲/۱۳	۲/۲۷	۰/۰۰۰	۶۳/۸۱۷	۲/۲۰	مقاومت مسکن در برابر مخاطرات
۲/۴۴	۲/۵۸	۰/۰۰۰	۷۲/۴۸۱	۲/۵۱	طراحی بافت روستا با تاکید بر عبور ماسه‌های روان
۱/۹۸	۲/۰۷	۰/۰۰۰	۶۵/۸۷۸	۲/۰۲	سهولت آسان رفت و آمد بین روستا و شهر
۱/۹۸	۲/۰۹	۰/۰۰۰	۷۲/۲۵۰	۱/۹۸	کیفیت شبکه معابر
۱/۶۷	۱/۷۹	۰/۰۰۰	۵۷/۶۷۵	۱/۷۳	زیباسازی معابر
۱/۲۷	۱/۳۸	۰/۰۰۰	۵۰/۰۴۱	۱/۳۳	وجود علائم راهنمایی و رانندگی در اطراف محیط روستا
۱/۵۶	۱/۶۶	۰/۰۰۰	۵۸/۶۹۶	۱/۶۱	سیستم روشنایی مناسب روستا
۱/۵۱	۱/۶۲	۰/۰۰۰	۵۵/۹۴۵	۱/۵۶	آسفالت بودن کوچه منزل در روستا

در بُعد زیرساختی، تنها در گویه‌های (دسترسی به نهاده‌های مختلف کشاورزی و دسترسی به تعاونی روستایی) تاثیر مطلوبی داشته است و در سایر شاخص‌ها تاثیر مطلوبی نداشته است. تعاونی‌های تولید روستایی به دلیل نقش رابط خود بین تولیدکنندگان روستایی، دولت و مصرف‌کنندگان، عامل مناسبی برای رسیدن به اهداف توسعه به شمار می‌روند. برپایی چنین تشکیلاتی امروزه می‌تواند نقش مهمی در اقتصاد محدوده پایلوت منارید ایفا کند، به گونه‌ای که در آینده بتوانند در بازار رقابتی محصول مناسبی را با قیمت مناسب عرضه کنند. پروژه منارید توانست مردم روستا را از مزایای تعاونی آگاه کند و همچنین حس اعتماد و همدلی را بین مردم روستا و تعاونی روستایی ایجاد کند. در رابطه با گویه دسترسی به نهاده‌های مختلف کشاورزی، یکی از مهمترین مزایای شرکت تعاونی روستایی خرید نهاده‌های مورد نیاز روستاییان از مرکز استان با قیمت مناسب و شرایط بهتر و ارائه این خدمات در کمک به اقتصاد روستاییان و کشاورزان است. براساس برداشت میدانی صورت گرفته، بسیاری از کشاورزان دسترسی نسبتاً خوبی به نهاده‌های مختلف کشاورزی (بذر، کود، سم، و...) از طریق تعاونی روستایی دارند. نتایج طبق جدول (۷) نشان داد، در بُعد کالبدی-فیزیکی نیز با توجه به نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای، پروژه بین‌المللی منارید در تمامی گویه‌ها تاثیر مطلوبی در پی نداشته است. در ادامه نیز، برای نشان دادن تحلیل فضایی توسعه جوامع محلی متأثر از پروژه منارید (به تفکیک ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی، زیرساختی، کالبدی-فیزیکی) در روستاهای پایلوت و شهر علی اکبر، با استفاده از مدل فازی ممدانی اقدام به سطح‌بندی فضایی روستاها و شهر علی اکبر شده است. قابل ذکر است به منظور کاهش حجم مقاله، از ارایه دیگر جداول مدل فازی ممدانی در پژوهش حاضر صرفه‌نظر شده است و تنها جدول نهایی این مدل ارائه شده است جدول (۸).

جدول ۸. وضعیت توسعه روستاها و شهر علی اکبر بر اساس ابعاد مورد بررسی

وضعیت	تابع عضویت	روستا-شهر	ابعاد
بسیار نامطلوب	۰/۴۹	روستای سنچولی	اقتصادی
بسیار نامطلوب	۰/۴۷	روستای بلند	
نامطلوب	۰/۵۴	روستای کیخا	
نامطلوب	۰/۵۲	شهر علی اکبر	
متوسط (نسبتاً مطلوب)	۰/۵۹	روستای سنچولی	اجتماعی
بسیار مطلوب	۰/۷۵	روستای بلند	
بسیار مطلوب	۰/۷۶	روستای کیخا	
مطلوب	۰/۷۳	شهر علی اکبر	
بسیار نامطلوب	۰/۴۵	روستای سنچولی	محیطی
نامطلوب	۰/۵۲	روستای بلند	
نامطلوب	۰/۵۵	روستای کیخا	
نامطلوب	۰/۵۱	شهر علی اکبر	

زیرساختی	روستای سنچولی	۰/۴۸	بسیار نامطلوب
	روستای بلند	۰/۵۰	نامطلوب
	روستای کیخا	۰/۵۳	نامطلوب
	شهر علی اکبر	۰/۵۲	نامطلوب
کالبدی-فیزیکی	روستای سنچولی	۰/۵۱	نامطلوب
	روستای بلند	۰/۵۳	نامطلوب
	روستای کیخا	۰/۵۵	نامطلوب
	شهر علی اکبر	۰/۵۴	نامطلوب



شکل ۳. وضعیت روستاها و شهر علی اکبر بر اساس بُعد کالبدی



شکل ۴ و ۵. وضعیت روستاها و شهر علی اکبر بر اساس بُعد اقتصادی و اجتماعی



شکل ۶ و ۷. وضعیت روستاها و شهر علی اکبر بر اساس بُعد زیرساختی و محیطی

## نتیجه‌گیری

پروژه منارید با مشارکت اقشار مختلف جامعه محلی در روستاهای (کیخا، سنچولی، بلند) و شهر علی اکبر، برای دستیابی به سه هدف کلان (ارتقاء سطح درک و دانش عمومی، ایجاد شرایط مناسب جهت توانمندسازی ذینفعان، رویکردها و فن‌آوری‌های مبتنی بر مشارکت جوامع محلی و سازگار با اقلیم منطقه در راستای مدیریت پایدار آب و اراضی)، اجرا شده است. در این راستا، پژوهش حاضر به ارزشیابی اثر این پروژه بر توسعه جوامع محلی ناحیه هامون پرداخته است.

اگر توانمندسازی را به معنای توان‌افزایی جمعی تعریف کنیم و آن را به شکل مشورت با مردم در پروژه منارید، برای رسیدن به برنامه، تحلیل و شاخص با خود مردم تعریف نماییم، از دیدگاه جوامع محلی، پروژه بین‌المللی منارید در مشارکت و کارگروهی در بین جوامع محلی، تاثیر مطلوبی داشته است، که این مشارکت می‌تواند در توانمندسازی ساکنین محلی از جمله توانمندسازی زنان روستایی موثر باشد. قابل ذکر است که منطقه سیستان از جمله ناحیه هامون یک منطقه سنتی است و روابط اجتماعی سنتی نیز بر روستاها حاکم است که این می‌تواند در جهش توسعه موثر باشد، اوج مشارکت‌ها از گذشته‌های دور در این منطقه مشاهده شده است، برای نمونه می‌توان به حشرهای منطقه سیستان برای لایروبی رودخانه‌ها در گذشته اشاره کرد که این مشارکت در خاورمیانه کم نظیر است. یکی دیگر از عوامل موثر بر توانمندسازی، آموزش و ظرفیت‌سازی است، که این پروژه توانست با برگزاری دوره فرآوری محصولات زراعی باغی و دامی برای خانم‌ها، برگزاری دوره آموزشی کمپوست و ورمی کمپوست، برگزاری دوره زنبورداری و گیاهان دارویی، کمک به احیاء غذاهای سنتی و بومی و ارتباط تولیدکنندگان خانم به فروشگاه‌ها در تهران، کارگاه قالی‌بافی مشارکتی بخش در این زمینه موفق عمل کند. یکی از شیوه‌های موثر دیگر در توانمندسازی، تشکل‌های اجتماعی است. در این شیوه خدمات متعدد موثری به ساکنین جوامع محلی هامون ارائه شد که بر توانمندسازی آنان تاثیر گذاشته است؛ از جمله این خدمات می‌توان به ارائه خدمات مشاوره‌ای به ساکنین جوامع محلی و مشارکت جوامع محلی در عرصه‌های روستایی اشاره کرد. نتایج یافته‌ها در این قسمت از پژوهش با مطالعات گوو (۱۹۸۳)، احمد و نورانی (۲۰۱۵)، پارک و کیم (۲۰۱۴)، عارف (۲۰۰۹)، دورگا (۲۰۱۳)، اسدی و همکاران (۱۳۹۴)، فولادیان و همکاران (۱۳۹۵)، امامی و همکاران (۱۳۹۶)، مدزیوهان‌دیا (۲۰۱۴)، همخوانی دارد. در بُعد اقتصادی (براساس نظر جامعه محلی)، پروژه منارید کمترین تاثیر را در بالا بردن توان مالی و اقتصادی مردم داشته است. نتایج این یافته‌ها نیز در بُعد اقتصادی با مطالعات افشاری و همکاران (۱۳۹۳)، مطابقت دارد. از دیگر مشکلات اقتصادی که البته جنبه زیرساختی هم دارد، نبود مکان‌هایی برای فعالیت‌های تولیدی زنان است. از آنجا که زنان به تهیه و تولید و فرآوری محصولات غذایی خانگی مشغول هستند و برای هر بار جمع شدن برای انجام کار مجبورند به خانه‌های یکدیگر بروند ناراضی بودند، و از طرف دیگر، حمل وسایل و ملزومات مورد نیاز کار برایشان نیز دشوار است، و حتی دختران جوان نیز مطرح کردند که در خانواده‌هایی که پسر جوان دارند آنها مجاز نیستند برای همکاری و کار به آن خانه بروند. بنا به اظهارات زنان، پروژه منارید می‌توانست با ایجاد یا تهیه فضای مناسب برای فعالیت‌های تولیدی همه مشکلات پیش آمده را مرتفع کند و در عین حال احساس بهتری به زنان نیز به سبب خروج از خانه به آنان بدهد. از دیدگاه آنها پروژه منارید می‌توانست با ایجاد مکانی برای تولید حس شاغل بودن را در خارج از خانه برای زنان فراهم کند، که در این امر نیز موفق نبوده است. در بُعد محیطی نیز، از دیدگاه مردم، پروژه بین‌المللی منارید کمترین تاثیر را در حوزه منابع آب داشته است، یکی از چارچوب‌های پروژه منارید، حوزه منابع آب است. آب عمده‌ترین عاملی است که در مناطق خشک و نیمه خشک در تولید محصولات کشاورزی محدودیت ایجاد می‌کند. راندمان پایین مصرف آب به صورت سطحی در مزارع و محدودیت منابع آب و نیز رژیم نامنظم بارندگی در این ناحیه، استفاده از سیستم‌های نوین آبیاری با راندمان بالاتر از جمله آبیاری قطره‌ای را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. بنابراین با توجه به شرایط روستاها و شهر پایلوت، پروژه منارید در زمینه کاهش اشکال در سیستم آبیاری کشاورزی، استفاده از آبیاری قطره‌ای و بارانی در زمین زراعی تاثیر مطلوبی نداشته است. همچنین در زمینه کاهش آلودگی ناشی از گرد و غبار و کنترل یا تثبیت ماسه‌های روان نیز باید به این نکته نیز اشاره کرد، در شهرستان هامون (روستاها و شهر پایلوت منارید)، بیش از ۲۰ سال است که پس از خشکی هامون همچون مناطقی جنگ زده وارد نبردی نابرابر با طبیعت و شرایط جوی نامساعد تحمیلی شده و مشکلات ناشی از گرد و غبار همچون بمب‌های شیمیایی نفس مردم را تنگ کرده و بیماری‌های تنفسی، قلبی و سیل در کمین‌شان نشسته است. از دیدگاه اهالی روستاهای مورد مطالعه و شهر علی اکبر صدای باد و طوفان سهمگین در لابه‌لای کوچه‌ها و خیابان‌های شهر علی اکبر صحنه‌ای دلخراش از افسردگی و ترس را تداعی می‌کند. تمام مردم لُنگ و شال به دور دهان و گردن می‌پیچند و برخی نیز ماسک بر دهان و عینک بر چشم می‌-

زند. این سناریو یک بمب شیمیایی نیست بلکه تنها ناتوانی بسیاری از پروژه‌های توسعه روستایی از جمله پروژه منارید در کنترل پی‌آمدهای وضعیت آب‌وهوایی ۲۰ ساله حاکم بر این منطقه است که در زندگی و جان و تن مردم خود را نشان می‌دهد به گونه‌ای که حتی اینک شیوه و سبک زندگی را نیز در این منطقه دستخوش تغییرات کرده است. همچنین نتایج نشان داد که پروژه منارید تاثیر مطلوبی در افزایش سطح آگاهی مردم روستا در زمینه مدیریت پسماند نداشته است. در مطالعات میدانی صورت گرفته، بسیاری از ساکنین روستاها و شهر علی اکبر حتی از مفهوم مدیریت پسماند اطلاع نداشتند، در واقع، ناآشنایی بسیاری از افراد و عدم مشارکت در جداسازی پسماند خطرناک و کمپوست خانگی را می‌توان عمدتاً به فراهم نبودن امکانات و آموزش موثر در موضوعات مذکور نسبت داد، که پروژه منارید نیز در این زمینه عملکرد مطلوبی نداشته است.

در بُعد زیرساختی نیز از دیدگاه بسیاری از زنان و مردان در روستاها و شهر علی اکبر، رساندن به موقع آب به زمین‌های کشاورزی از مهمترین مشکلات در بُعد زیرساختی است. یکی از اهالی روستای کیخا با خشم اظهار داشت که هر سال سه تا چهار نوبت آب سهمیه داشتند و امسال فقط دو نوبت آب گرفته‌اند و این مسئله سبب شد که گندم آنان رشد کافی نکند و در حال حاضر کشاورزان بیشتر در زمین خود کاه دارند تا گندم. این وضعیت، برداشت محصول را برای آنان زیان‌آور ساخته، چرا که در شرایط حاضر عایدی زیادی برای آنان نخواهد داشت، به طوری که حتی بعضی‌ها حاضر هستند محصول خود را رایگان به دیگران واگذار کنند تا دیگر متحمل هزینه‌های برداشت محصول نشود. همچنین بسیاری از مردم روستا از انتقال آب چاه نیمه‌های زابل به زاهدان به شدت معترض بوده و بیان کردند که بایستی از منابع آب نزدیک به زاهدان مثل مناطق میرجاوه و گوربند آب مورد نیاز شهر زاهدان تامین شود. همچنین، نبود زیرساخت مکان‌هایی برای فعالیت‌های تولیدی زنان از دیگر مشکلات این روستاها است که در بررسی آثار اقتصادی این پروژه به آن اشاره شد.

در نهایت، در بُعد کالبدی فیزیکی نیز پروژه منارید در هیچ یک از گویه‌های (آسفالت کوچه، نوسازی مسکن، بازآفرینی بافت فرسوده، روشنایی کوچه‌ها، طراحی بافت روستا با تاکید بر عبور ماسه‌های روان، کیفیت شبکه معابر، زیباسازی معابر، وجود علائم راهنمایی و رانندگی در اطراف محیط روستا)، تاثیرات مطلوبی نداشته است.

نتایج تحلیل فضایی توسعه جوامع محلی (به تفکیک ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی، زیرساختی، کالبدی-فیزیکی) زیر تاثیر پروژه بین‌المللی منارید در روستاهای پایلوت و شهر علی اکبر بر اساس مدل فازی ممدانی نشان داد، بیشترین میزان تاثیر پروژه منارید در روستای کیخا بوده است. این یافته، با مطالعات آجورلو و همکاران (۱۳۹۳)، همخوانی دارد. پروژه بین‌المللی منارید در بُعد اقتصادی نسبت به ابعاد اجتماعی، محیطی و زیرساختی، کمترین تاثیر را داشته است. در واقع اجرای پروژه منارید در بالا بردن توان مالی و اقتصادی جوامع محلی تاثیر زیادی نداشته است، در یک جمع‌بندی کلی بر مجموع یافته‌های تحلیلی پژوهش مشخص می‌شود که خانوارهای ساکن در سایت هامون به واسطه محدودیت‌های ناشی از آب ورودی رودخانه هیرمند از افغانستان با مشکلات متعددی روبرو هستند و دسترسی نداشتن به منابع آب با تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم، بر کاهش اشتغال و درآمد و تشدید فقر بسیار تاثیرگذار بوده است. با توجه به اینکه رفع محدودیت‌های ناشی از وابستگی آب مورد نیاز روستاهای ناحیه هامون بیش از هر عامل دیگری در توسعه اقتصادی جوامع محلی موثر است، بنابراین پیگیری پروژه‌های بُعدی توسعه برای دریافت حبابه و تالاب بین‌المللی هامون از رودخانه هیرمند در چارچوب حقوق بین‌المللی ضروری است. با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر، پیشنهادهایی به شرح زیر به منظور بهبود پروژه‌های آتی در چارچوب منارید ارائه می‌شود:

- توجه بیشتر دولت و سازمان‌های اجرایی به ایجاد زیربنای اقتصادی و شغلی در همه ناحیه هامون؛ - توجه بیشتر دولت به توسعه صنایع کوچک، کارگاهی و مشاغل و کارگاه‌هایی که نیاز کمتری به منابع آب و خاک و گیاهان دارند؛ - ارتقای کمی و کیفی آموزش‌های حرفه‌ای و آموزش‌های مرتبط با شغل مردم و منابع محیطی روستا.  
در واقع، اگر معتقدیم که مشارکت واقعی باید صورت گیرد، باید اقداماتی از جمله: - تبدیل پروژه‌های توسعه به مطالبات مردمی؛ - خوانا کردن پروژه‌ها و از بین بردن دیوار بی‌اعتمادی بین مردم و مسئولان؛ - ذی‌نفع کردن مردم در منافع پروژه‌ها؛ - تبدیل پروژه‌های توسعه به حقوق؛ و توانمندسازی روستایی باید در دستور کار قرار گیرد.

## تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از رساله دکتری در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی (گرایش: نظام سیاستگذاری در برنامه‌ریزی روستایی) در دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی بوده است.

## منابع

- آجورلو، مجید؛ عبدی، مصطفی؛ رضوانی، رضوان و مرادی، محمد. (۱۳۹۳). بررسی برخی از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پروژه‌ی منارید در سیستان. دومین همایش ملی بیابان با رویکرد مدیریت مناطق خشک و کویری.
- اسدی، زینب؛ پوررمضان، عیسی و مولایی هاشجین، نصرالله. (۱۳۹۵). نقش مشارکت در توسعه روستایی بخش خشکبیجار شهرستان رشت، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۵(۱۵)، ۸۲-۶۱.
- افشاری، اعظم (۱۳۹۳). اثرات اقتصادی-اجتماعی پروژه بین‌المللی منارید بر شاخص زیست‌محیطی بیابان زدایی (مطالعه موردی: هامون شهر سیستان)، پایان نامه کارشناسی ارشد بیابان‌زدایی، گروه مرتع و آبخیزداری، دانشکده آب و خاک.
- برقی، حمید؛ قنبری، یوسف و سعیدی، محمد. (۱۳۹۲). بررسی عملکرد شورای اسلامی روستا و میزان مشارکت مردم در توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان حسین آباد شهرستان نجف آباد). فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۲(۴)، ۱۱۹-۱۳۸.
- اسکندری نسب، حمیرا؛ کریمیان، علی اکبر و فتاحی، احمد. (۱۳۹۵). بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای اجرای طرح منارید در استان یزد. دومین کنگره ملی توسعه و ترویج مهندسی کشاورزی و علوم خاک ایران.
- امامی، نفیسه؛ احمدپور، امیر؛ عابدی سروستانی، احمد و شهرکی، محمدرضا. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر پروژه ترسیب کربن بر توانمندی جوامع محلی (مورد مطالعه حوزه آبخیز تیل آباد استان گلستان). فصلنامه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۱۰(۴)، پیاپی ۴۰.
- خلیلی اقدم، نبی؛ مساعدی، ابوالفضل و لطیفی، ناصر. (۱۳۸۶). بررسی خشکسالی و روند وقوع آن در ارومیه. ویژه نامه زراعت و اصلاح نباتات، ۱۵۷-۱۴۶: ۵.
- رضایی، روح‌الله؛ حسینی، سید محمود و شریفی، امید. (۱۳۸۹). واکاوی و تبیین تاثیر خشکسالی بر مناطق روستایی شهرستان زنجان (مطالعه موردی: روستای حاج آرش)، پژوهش‌های روستایی، ۱(۳): ۱۳۰-۱۰۹.
- فولادیان، مرجان؛ کیانی، بهمن و کریمیان، علی اکبر. (۱۳۹۵). اثر پروژه منارید در توانمندسازی و جلب مشارکت زنان روستایی (مطالعه موردی: روستای کمکوبیه، شهرستان بهاباد، استان یزد). ششمین همایش سراسری کشاورزی و منابع طبیعی پایدار. ص ۵.
- کردوانی، پرویز (۱۳۸۰). خشکسالی و راههای مقابله با آن در ایران: آب؛ در کشاورزی، صنعت و شهر. موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- کابلی، نرجس؛ تقی پزشکی راد، غلامرضا و شعبانعلی فمی، حسین. (۱۳۹۱). اثرات و راهکارهای مقابله با خشکسالی، اولین همایش تخصصی توسعه کشاورزی استان‌های شمال غرب کشور، مشکین شهر
- حسن زاده، داود. (۱۳۸۷). رویکرد اجتماع محور به کیفیت زندگی اجتماعات محلی. فصلنامه مدیریت شهری، ۲، ص ۲۲.
- صادقی نیا، مجید؛ تقی زاده، روح‌الله و جعفری، زهرا. (۱۳۹۳). بررسی علل موفقیت و شکست طرح‌ای مرتعداری (مطالعه موردی: استان سمنان)، اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی محیط زیست
- مظاهری، زهرا و صفری، نادعلی. (۱۳۸۸). بررسی اثرات خشکسالی بر زندگی جامعه عشایری: مطالعه موردی استان چهارمحال بختیاری، دومین همایش ملی اثرات و راهبردهای مدیریت خشکسالی، اصفهان.

- Ahmad, H., Noraini, A.T. (2015). Empowering Local Communities: Decentralization, Empowerment and Community Driven Development. *Quality & Quality*, 49 (2): 827-838.
- Aref. F. (2009). People's participation in community Development: A case study in a plan Ned *Viilage settlement in Malaysia, World Rural observations 2009*. 1(2): 45-54. ? London: Routledge.
- Chaskin, R. J. Brown, P. Venkatesh, S. Vidal, A. (2001). *Building Community Capacity*. New York: Aline De Gruyter.p44.
- Flora, C.B., Flora. J.L. (1993). "Entrepreneurial Social Infrastructure: A Necessary Ingredient." *Annals of The American Academy of Political and Social Sciences*. 539:48-58.p11.
- Gow, D.D., Jerry, V. (1983). Be yond the Rhetoric of Rural Development participation: How Can It Be Done? *World Development*, vol. 11, No 5, pp. 421-446.
- Giampiccoli, A., Mtapuri, O. (2012). Community-based tourism: An exploration of the concept(s) from a Political perspective. *Tourism Review International*, 16. 29-43.
- Gilchrist, A. (2004). *The well-connected community: a networking approach to community development*: Community Development Foundation (Great Britain), The Policy Press, UK.p9.



- Fernandez, S., Moldogaziev, T. (2013). Using employee empowerment to encourage innovative behavior in the public sector. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 23, 155-187.
- Hackett, H (2004). Community capacity building. *Paper presented at the conference of social Planning assistance professionals in the provincial and municipal sectors*. Retrieved 29, May, 2009.
- Ife, J. (2002). *Community development: Community-based alternatives in an age of globalisation*. Sydney: Longman Press.
- Ivanovic, M. (2009). *Cultural Tourism*. USA: Juta and Company Limited.
- JUMA. P. (2005). The role of community participation in the district focus for rural development Turkey. planning strategy: A case study of Busia district Kenya, Dept. of Geography, University of Nairobi .Vol.6, No.2, pp163-182.
- Kuponiyi, F. A. (2008). Community Power Structure: The Role of Local Leaders in Community Development Decision Making in Ajaawa, Oyo State, Nigeria. *The Anthropologist*, 10(4), 239-243.
- Mancini, J. A. Martin, J. A. Bowen, G. L. (2003). *Community capacity and social organization: The role of community in the promotion of health and the prevention of illness*. New York: Kluwer Academic/ Plenum Publishers.p67.
- Mahoney, M., Potter, J.-L., Marsh, R. (2007). Community participation in HIA: Discords in teleology and terminology. *Critical Public Health*, 17(3), 229-241.
- Pascucci, S., Magistris, T., Dries, L., Adinolfi, F., Capitanio, F. (2013). Participation of Italian farmers in rural development policy, *European Review of Agricultural Economics Vol 40 (4)*. PP: 605-631.
- Park, E.Kim, S (2014). Enhancing Local Community's Involvement and Empowerment through rural Practicing Cittaslow: Experiences from Goolwa, South Australia. *SHS Web of Conferences*, 12: [http://www.shs-conferences.org/articles/shsconf/pdf/2014/09/shsconf\\_4ictr2014\\_01044.pdf](http://www.shs-conferences.org/articles/shsconf/pdf/2014/09/shsconf_4ictr2014_01044.pdf).
- Soepijanto, B.Zauhar, S., Haryono, B.S., Soeaidy, S. (2013). Model of Effective Community Policy of Forestry Partnership to Forest Community in Mesuji-Lampung. *OSR Journal of Humanities and Social Science (IOSR-JHSS)*, 17(1):7- 14.
- Selby Madzivhandila, T., Caswell., M. (2014). Community Participation in Local Government Planning Processes: A Paramount Step towards a Successful Service Delivery. *In Mediterranean Journal of Social Sciences* 5(16) • July 2014. ISSN 2039-2117.
- Tesoriero, F. Lfe, J. (2006). *Community development: community-based alternatives in an age of globalisation: Pearson Education Australia. P15*.
- Williams, C. C. (2004). *Community Capacity Building: A Critical Evaluation of the Third Sector. Approach. Review of Policy Research*, 21(5), 729-733.

**How to cite this article:**

Naimabadi, N., Jalalian, H., & Riahi, V., Mirlotfi, M. R. (2022). The effect of Menarid international project on the development of local communities (case study: Hamoun Sistan project). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 17(3), 757-772.

ارجا به این مقاله:

نعیم آبادی، نازنین؛ جلالیان، حمید، و ریاحی، وحید، میرلطفی، محمودرضا (۱۴۰۱). اثر پروژه بین‌المللی منارید بر توسعه جوامع محلی (مورد مطالعه: پروژه هامون سیستان). *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۷ (۳)، ۷۷۲-۷۵۷.